



مشاور، سبدگردان و... پیش‌بینی نشده بودند. البته ظرف دو سال اخیر تلاش بسیاری برای جبران بخشی از این کمبودها به عمل آمد، منتهی چون قانون مصوب سال ۴۵ ظرفیت و تاب و تحمل این گونه تحولات را نداشت، به‌رغم همه تلاش‌ها، تنها شیبی از ابزارها و نهادها در آن قالب شکل گرفت. به عنوان مثال: بازارگردان صرفاً به عنوان حامی سهم مطرح شد و هیچ‌گاه نتوانست نقش واقعی خود را ایفا کند؛ یا سبدهای سهام با همه جدیتی که در اجرای آن به کار گرفته شد، عملاً مسکوت ماند و در نهایت طرح سبدهای مشاع از داخل آن بیرون آمد و به آن چیزی که مدنظر بود دست نیافتیم. از سوی دیگر طرح فروش سهام همراه با اختیار فروش در ذهن عامه به پرداخت سود تضمین شده در بورس تبدیل شد. شاید توان عملیاتی ساختن طرح‌ها وجود نداشت...

به اعتقاد من این گونه نبود، این موضوع از ساختار ناکارآمد قانون مصوب سال ۴۵ نشأت می‌گرفت. بنابراین در یک جمع‌بندی کلی باید بگویم در شرایط قانون قدیم اهرم قانونی مناسب و کارآمد برای رفع نقص مقررات در بورس وجود نداشت. به هنگام فقدان این اهرم‌ها بورس و معاملات سهام و اوراق بهادار به‌طور فزاینده‌ای در معرض ترندهای بازیگران بازار قرار می‌گرفت.

باتوجه به این پیشینه آیا در قانون جدید این خلأهای قانونی رفع شده است.

بله. این کار انجام شده، یکی از ویژگی‌های قانون جدید آن است که ارکان اجرایی و نظارتی در آن به‌خوبی تفکیک و تعریف شده است. در کنار آن بازار اولیه - که تاکنون تحت نظارت و کنترل نبود و هر کس می‌توانست با انتشار اعلامیه و اطلاعاتی از مردم پول جمع کند، بدون آن‌که هیچ نهادی بر نحوه عملکرد و هزینه منابع جمع‌آوری شده نظارت داشته باشد -

گفت‌وگو با مجتبی داودی  
رئیس هیأت نظارت بورس اوراق بهادار

## قوای سه‌گانه بازار سرمایه



مواجه بودیم. در این ساختار عامل اجرا و عنصر نظارت در هم آمیخته بود. در حالی که با توجه به تحولات به‌وجود آمده در عرصه بازارهای سرمایه جهانی، استفاده از ابزارهای جدید را اجتناب‌ناپذیر ساخته بود. باوجود آن‌که همگان می‌دانستند ابزارهای نوینی نظیر حق‌اختیارها و آتی‌ها می‌تواند به کاهش ریسک بازار یاری رساند، در ساختار قانون قدیم هیچ راه‌کاری برای سود جستن از این ابزارها ارائه نشده بود. از سوی دیگر در این قانون نهادی مورد نیاز بازار نظیر بازارگردان،

اشاره: قانون جدید بازار اوراق بهادار قضایی متفاوت را در حوزه نظارت شکل خواهد داد، با توجه به تجربه دو سال گذشته هیأت نظارت قصد داریم، به بررسی این فضا پردازیم... قطعاً اجرای قانون جدید بازار اوراق بهادار گامی بلند در جهت ساماندهی بازار سرمایه و تقویت حوزه نظارت بر بازار به حساب می‌آید. بازار سرمایه سال‌هاست از ساختاری قدیمی و ناکارآمد در ارکان و اجزاء رنج می‌برد. طبق قانون مصوب سال ۴۵ با ساختار حقوقی و اجرایی ناکارآمدی

تحت کنترل و نظارت در خواهد آمد.

نقش نهادهای نظارتی در قانون جدید چگونه تعریف شده، مثلاً جایگاه شورای بورس یا سازمان جدید در حوزه نظارت چیست؟

شورای بورس به عنوان بالاترین رکن بازار سرمایه، به باور من طبق قانون جدید از دو بعد نظارتی برخوردار است. یک بعد راهبردی است که براساس آن شورای بورس به سیاست‌گذاری در بازار سرمایه اعم از بازار اولیه و ثانویه می‌پردازد. بُعد دیگر، اعمال نظارت است که توسط یک بازوی اجرایی به نام سازمان بورس و اوراق بهادار اعمال خواهد شد. ضمن این‌که مجوز تأسیس بورس‌های مختلف در شورای بورس صادر خواهد شد و بر آنها از طریق سازمان بورس و اوراق بهادار نظارت می‌شود. از سوی دیگر شورای بورس اختیار خلق ابزارهای جدید را خواهد داشت، امری که سال‌های متمادی به عنوان یک ضعف عمده و مشکل اساسی گریبان بازار سرمایه ما را گرفته بود. در کنار اینها بازارهای خارج از بورس یا "OTC ها" شکل می‌گیرند که در آنها معاملات بر پایه مذاکره خواهد بود. این نوع بازارها می‌توانند الکترونیک یا غیرالکترونیک باشند. ضمن این‌که بازار مشتقه‌ها برای معامله ابزارهایی چون حق اختیارها و آتی‌ها شکل خواهد گرفت.

یعنی منظور تان این است که ابزار مشتقه خود در یک بورس مستقل دادوستد خواهند شد.

البته، معامله مشتقه‌ها می‌تواند در خارج از قالب بازار سهام فعلی تعریف شود و می‌تواند بازاری مستقل باشد. این بازار هم با مجوز شورای بورس قابل تأسیس است. ضمن این‌که شرکت سپرده‌گذاری مرکزی و بانک‌های سرمایه‌گذاری از دیگر نهادها می‌تواند اشاره در قانون جدید هستند. بانک‌های سرمایه‌گذاری در قانون جدید به عنوان مؤسسات تأمین سرمایه یاد شده‌اند. از



می‌بخشد.

پیردازیم به ساختار سازمان جدید بورس و اوراق بهادار که ظاهراً قرار است به مرکز نظارت بر بازار سرمایه تبدیل شود.

انتخاب اعضای هیأت مدیره پنج نفره سازمان جدید برعهده شورای بورس است. شورای بورس بر عملکرد آن سازمان نظارت دارد و صورت‌های مالی آن را بررسی و منابع درآمدی آن را تأیید می‌کند. سازمان جدید برای ثبت همه اوراق بهادار در بازارهای اولیه و ثانویه تعرفه‌هایی را منظور می‌کند که به منابع درآمدی‌اش تبدیل می‌شود.

در واقع شورای بورس به عنوان نماینده حاکمیت، بر سازمان بورس که نهاد ناظر بر بازار سرمایه است نظارت می‌کند.

بله. ضمن این‌که تصویب اساسنامه و مقررات سازمان بورس و اوراق بهادار ابزار نظارتی لازم را در اختیار شورای بورس برای نظارت بر عملکرد سازمان بورس قرار می‌دهد.

آیا در یک شبیه‌سازی کلی می‌توانیم بگوییم، شورای بورس مجلس و قوه مقننه، سازمان بورس و اوراق بهادار، قوه قضاییه و شرکت‌های بورس قوه مجریه بازار سرمایه در ساختار جدید هستند.

چنین تمثیلی البته با در نظر گرفتن اندازه‌ها و قواها قابل قبول است.

پس به این ترتیب تا حد زیادی می‌توانیم جایگاه ذهنی این نهادها را مشخص کنیم، اما ماهیت حقوقی آنها و به‌ویژه سازمان جدید بورس و اوراق بهادار که حوزه نظارت را برعهده دارد، چگونه تعریف می‌شود؟

سازمان بورس و اوراق بهادار یک مؤسسه عمومی غیردولتی است، که شخصیت حقوقی و مالی مستقلی دارد. هیأت مدیره آن از پنج عضو امین و دارای

**شورای بورس**  
**اختیار خلق ابزارهای جدید را**  
**خواهد داشت**  
**امری که سال‌های متمادی**  
**به عنوان یک ضعف عمده**  
**و مشکل اساسی**  
**گریبان بازار سرمایه ما را**  
**گرفته بود**

سوی دیگر، معاملات اشخاص خارجی که در سال‌های گذشته همواره با یک احتیاط بازدارنده مواجه بوده، طبق مقررات قانون جدید تسهیل خواهد شد. در کنار اینها همه آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌های مورد نیاز بازارهای اولیه و ثانویه از طرف شورای بورس به هیأت وزیران پیشنهاد خواهد شد.

یعنی به تصویب مجلس نیاز ندارد. خیر. در حد آیین‌نامه تعریف شده و مصوبه هیأت وزیران در مورد آنها کفایت می‌کند، که این موضوع روند کار را سرعت

صلاحیت‌های تجربی و تحصیلی لازم شکل می‌گیرد.

به اعتقاد شما کدام بخش‌های سازمان کارگزاران بورس به سازمان جدید بورس و اوراق بهادار منتقل خواهد شد.

در قانون جدید بیش از ۲۰ وظیفه و کارکرد عمده برای سازمان بورس و اوراق بهادار پیش‌بینی شده که هر یک از آنها مشتمل بر فرآیندهای اجرایی گسترده‌ای است. مثلاً: بخش اداره نظارت بر ناشران اوراق بهادار، باتوجه به ماهیت آن قاعدتاً در حوزه وظایف سازمان جدید تعریف می‌شود ضمن این‌که وظایف هیأت نظارت در حوزه کارکرد سازمان جدید قابل تعریف است. از سوی دیگر در کنار اینها حوزه نظارت بر بازار هم بنابر قاعده باید به سازمان جدید منتقل شود.

یعنی به اعتقاد شما شرکت‌های بورسی دیگر حوزه یا واحدی به نام نظارت بر بازار یا نظایر آن را نخواهند داشت.

خیر، این دو موضوع مغایرت یا منافاتی با هم ندارند، به باور من، اشکالی ندارد شرکت‌های بورس به عنوان نهادهای خود کنترل عمل کنند. حتی بهترین حالت آن است که آن‌قدر اعمال نظارت در شرکت‌های بورس دقیق باشد که فقط گزارش‌های نظارتی در سازمان بورس و اوراق بهادار مورد بررسی و تأیید قرار گیرد.

به بیش از ۲۰ مورد وظیفه‌ای که برعهده سازمان جدید قرار گرفته اشاره کردید، شاید بیان این وظایف بتواند قدری به روشن‌تر شدن بحث کمک کند.

یکی از این وظایف صدور مجوز عرضه عمومی اوراق بهادار و نظارت بر بازار اولیه است، درخواست صدور، تعلیق و لغو مجوز تأسیس بورس‌ها و کلیه نهادهای مالی و غیرمالی فعال در بازار سرمایه از کانال سازمان جدید باید عبور کند.



### بهترین حالت آن است که

### آن‌قدر اعمال نظارت

### در شرکت‌های بورس

### دقیق باشد

### که فقط گزارش‌های نظارتی

### در سازمان بورس و اوراق بهادار

### مورد بررسی و تأیید

### قرار گیرد

اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری از وقوع تخلفات در بازار، اعلام تخلفات به مراجع قضایی و پیگیری آن به عنوان تنبیهات انضباطی در حوزه وظایف سازمان جدید گنجانده شده است. اگر بخواهیم شبیه‌سازی کنیم در بخش مجازات‌های جزایی، سازمان جدید بورس و اوراق بهادار به منزله یک دادسرا عمل خواهد کرد. یعنی قانون سازمان را مکلف کرده، در صورت وقوع تخلف، موضوع را به مراجع قضایی، احاله دهد و اسناد و مدارک را در اختیار این مراجع بگذارد.

ضمن این‌که تصویب نرخ خدمات و کارمزدهای بورس‌ها در حیطه وظایف سازمان جدید است. مجموعه این اختیارات دست سازمان جدید را برای اعمال نظارت گسترده در بازارهای اولیه و ثانویه باز می‌گذارد.

البته این نظارت فقط معطوف و

متحصر به بورس اوراق بهادار نیست...

دقیقاً، برای همین از عبارات "بورس‌ها" در عرایضم استفاده کردم. این نظارت بر همه بورس‌ها اعم از بورس اوراق بهادار، فلزات، کشاورزی یا هر بورسی که در آینده شکل می‌گیرد، اعمال خواهد شد. توجه داشته باشید، همان‌طور که قبلاً گفتم مجوز تأسیس هر بورس جدیدی باید به تأیید و تصویب شورای بورس برسد.

در این میان ضوابط پذیرش

شرکت‌ها به چه شکل در خواهد آمد.

پذیرش [در بورس‌ها] در قالب یک آیین‌نامه که سازمان تدوین می‌کند، صورت خواهد گرفت. در چارچوب این آیین‌نامه، پذیرش اوراق بهادار در شرکت‌های بورس اوراق بهادار و کالا عملیاتی و اجرا خواهد شد.<sup>۲</sup>

در مورد شرکت‌ها یا اوراق و ابزاری که قبلاً پذیرفته شده‌اند موضوع تداوم کار در قانون در نظر گرفته شده است.

قطعاً تداوم کار وجود دارد. البته اگر قرار باشد تغییری در شرایط داده شود حتماً نهادهایی چون شورای بورس و سازمان بورس مهلتی برای تطبیق با شرایط جدید تعیین خواهند کرد.

شرایط جدیدی که از آن سخن به میان آمد، چه شرایطی است؟

شاکله قانون جدید در بازار ثانویه یعنی در بورس‌ها منصفانه و عادلانه کردن معاملات، افزایش شفافیت در معاملات، اطلاع‌رسانی کامل و فراگیر و نظارت و کنترل در کنار اعمال اقدامات پیشگیرانه و در نظر گرفتن تنبیهات انضباطی است.

آیا در قانون جدید اشاره‌ای به اعلام

تخلفات در رسانه‌ها و نظایر آن نشده است؟

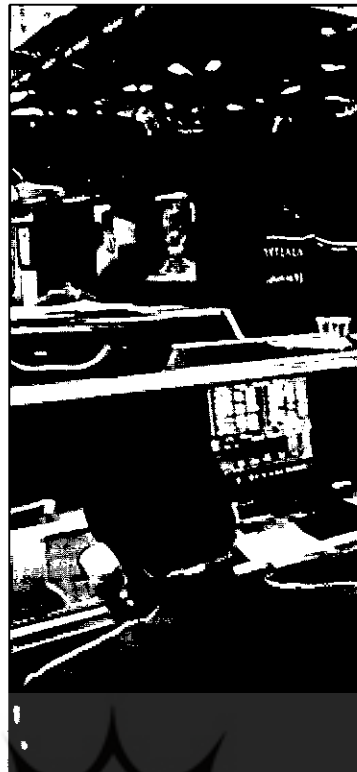
چرا، در هفت یا هشت ماده از قانون به تخلفاتی اشاره شده که سازمان بورس و اوراق بهادار موظف است در صورت وقوع، آنها را به مراجع قضایی معرفی کند و در همان‌جا در حوزه مجازات‌ها به این موضوع اشاره شده، اما به‌طور کلی چنین موضوعاتی به تبع قانون مصوب باید در آیین‌نامه‌ها مدنظر قرار گیرد و مصداق‌های آن مشخص شود.

یکی از موضوعاتی که گهگاه به آن اشاره می‌شود این است که در قانون جدید حوزه مجازات‌ها خیلی پررنگ شده است، آیا شما قائل به این موضوع هستید؟

از آنجا که چنین مواردی را در قانون قدیم نداشتیم، شاید به همین دلیل در نگاه اول، این بحث جدید، به ناگاه در ذهن افراد، عمده می‌شود. در حالی که اگر کمی در متن قانون دقیق شویم در حوزه جرایم رویکرد قانونگذار پیشگیرانه است. نکته‌ای که باید اضافه کنیم این است که در سایر بورس‌های معتبر دنیا هم، این‌گونه جرایم، مجازات‌های سنگینی دارد، زیرا فرض بر این است که مردم و سرمایه‌گذاران به مجموعه بورس‌ها و نهاد‌های مرتبط با آن اعتماد می‌کنند. اگر مردم را به سرمایه‌گذاری در بورس دعوت کنیم اما در عین حال آنها را در معرض تهدیدات و ریسک‌های مختلف قرار دهیم، قطعاً در آینده با مشکل مواجه خواهیم شد.

شاید بهتر باشد برای روشن‌تر شدن بحث به این نکته بپردازیم که آیا مجازات‌ها تنها ابزار اعمال نظارت بر بازار سرمایه است یا این که قانونگذار ابزارهای دیگری نیز در اختیار مجریان قانون قرار داده است؟

رویکرد قانون این است که نظارت در بازار ثانویه با ابزارهای متنوعی مثل آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و ایجاد نهادهایی نظیر بازارگردان‌ها، نرم‌افزارهای



**اگر بخواهیم شبیه‌سازی کنیم در بخش مجازات‌های جزایی سازمان جدید بورس و اوراق بهادار به منزله یک دادسرا عمل خواهد کرد. یعنی قانون سازمان را مکلف کرده در صورت وقوع تخلف، موضوع را به مراجع قضایی، احاله دهد و اسناد و مدارک را در اختیار این مراجع بگذارد**

نظارتی و ناظرانی که اختیارات وسیعی از مقام ناظر دریافت می‌کنند، اعمال شود.

یعنی موضع پیشگیرانه‌ای که به آن اشاره شد در اینجا کاملاً محقق شده، به عبارت دیگر تلاش می‌شود با کاهش ریسک بازار و همچنین از بین بردن زمینه تخلفات، حجم جرایم را در بازار سرمایه کاهش دهند.

دقیقاً همین‌طور است، دقت داشته باشید اگر در بازار سرمایه، مشاور، سبدگردان و بازارگردان به مفهوم واقعی داشته باشیم، خود به‌خود از بسیاری

ترفندها در بازار جلوگیری می‌شود، این ابزارها و نهادها در نهایت به عنوان ابزار نظارتی پیشگیرانه در قالب قانون جدید عمل خواهند کرد.

تا اینجا بیشتر به تفاوت‌های حوزه نظارت در قانون قدیم و جدید پرداختیم، اگر موافق باشید، حالا شاکله قانون جدید را در حوزه نظارت بررسی کنیم و ببینیم تاکنون چه اقداماتی برای انطباق با قانون جدید صورت گرفته است.

ما در دو سال گذشته کادر کارشناسی ۱۲ نفره‌ای را در هیأت نظارت ایجاد کرده‌ایم که این بخش به عنوان یک الگو می‌تواند به راحتی به سازمان جدید منتقل شود، البته حجم و اندازه کار تا پنج برابر میزان فعلی قابل افزایش است. علاوه بر ۱۲ کاربری که به آن اشاره شد یک نرم‌افزار نظارتی هم در اختیار داریم که امکان نظارت بر همه ترفندها و تخلفات قابل وقوع در بازار را فراهم آورده است.

یعنی شما همه ترفندهای موجود در بازار را در قالب این نرم‌افزار شناسایی کرده‌اید.

تا آنجایی که وجود داشته و گرنه ممکن است در آینده ترفندهای تازه‌ای به کار گرفته شود که باید برای شناسایی آنها نیز فکر کرد.

آیا این ترفندها و تخلفات دسته‌بندی هم شده‌اند.

در حال جمع‌آوری مجموعه ترفندها هستیم، این ترفندها در قالب سازمان جدید برحسب میزان اهمیت طبقه‌بندی می‌شوند و حتی ممکن است برخی از آنها در قالب قانون جدید عنوان تخلف پیدا کنند.

قاعدتاً در حوزه جرایم برخورد متفاوتی با ترفندها و تخلف‌ها خواهد شد، آیا این برداشت درست است؟

برخورد ما با ترفند و تخلف دوگونه است، در برخی موارد می‌توان ترفندها را با تذکر به حداقل رساند، اما اگر تخلفی مشاهده شود، طبق قانون قدیم، به هیأت

مدیره بورس اعلام می‌شد و براساس قانون جدید هم سازوکار مشخصی برای این موضوع طراحی شده است.

جداً از تمهیدات قانونی و وظایف و تکالیفی که قانونگذار برای نهادهای نظارتی در قانون جدید قائل شده، آیا ابزار نظارتی دیگری در بورس براساس قانون جدید در اختیار مسئولان حوزه نظارت قرار خواهد داشت؟

به نظر من مسئولیت‌پذیری و پذیرش استقلال کامل حساب‌رسان شرکت‌ها درخصوص افشای پدیده‌های نامساعد و در کنار آن انتشار به موقع اطلاعات حائز اهمیت در داخل شرکت‌ها به ایجاد یک جریان نظارتی کامل در بازار کمک می‌کند. این امر در نهایت منجر به تقویت و سلامت بازار و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خواهد شد.

پرسش دیگری که اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا این سازوکارهای نظارتی فقط در بازار ثانویه اعمال می‌شود یا این که چنین ساختاری را در بازار اولیه هم شاهد خواهیم بود؟

همین سازوکار نظارتی در بازار اولیه، البته با روش مخصوص به خود آن، وجود خواهد داشت و اتفاقاً این موضوع از امتیازات ویژه قانون جدید است.

باتوجه به این که از این پس در کنار تجربه ۴۰ ساله نظارتی در بورس، شاهد ایجاد یک پشتوانه قانونی مدرن برای این حوزه خواهیم بود، شاید مناسب باشد در این بخش کمی به چشم‌اندازهای متصور در حوزه نظارت، براساس قانون جدید بازار اوراق بهادار بپردازیم...

همان‌طور که مطلع هستید در حوزه نظارت، بورس، در فضایی جدید قدم خواهد گذاشت. در این فضای جدید باید ابزار و ابعاد مختلفی برای تضمین سلامت بازار به کار گرفته شود. بازیگران اصلی بازار، اعم از کارگزاران، سرمایه‌گذاران، سهامداران عمده و مدیران شرکت باید

**مادر دو سال گذشته  
کادر کارشناسی ۱۲ نفره‌ای را  
در هیأت نظارت ایجاد کرده‌ایم که  
این بخش به عنوان یک الگو  
می‌تواند به راحتی به سازمان جدید  
منتقل شود**

**البته حجم و اندازه کار تا پنج برابر  
میزان فعلی قابل افزایش است.  
علاوه بر ۱۲ کاربری که  
به آن اشاره شد  
یک نرم‌افزار نظارتی هم  
در اختیار داریم که  
امکان نظارت بر همه طرفه‌ها و تخلفات  
قابل وقوع در بازار را  
فراهم آورده است**

چنین فضایی را باور کنند و بدانند قانون جدید ابزار کافی را برای نظارت در اختیار نهادهای قانونی گذاشته است که این موضوع از نظر افزایش سطح سلامت بازار، فضایی نوین را پیش روی همگان قرار خواهد داد. البته باید تأکید کنم چنین فرایندی ظرف چندماه قابل تحقق نیست بلکه به تدریج این فضا شکل خواهد گرفت.

قاعدتاً همه علاقه‌مندان در یک فضای سالم کار کنند، ولی در یک فرایند میان‌مدت باید فرهنگ لازم برای تحقق این هدف شکل بگیرد تا همه بازیگران بازار بپذیرند منافع بلندمدتشان در گرو سلامت پایدار بازار است. ممکن است کسی با به‌کارگیری ترفندی در کوتاه‌مدت سودی را هم تحصیل کند، اما باید همان فرد به این باور برسد که اگر این مجرا باز باشد روزی

خود او از طریق ترفندهای مشابه دچار زیان خواهد شد. لذا باید همه به این نتیجه برسند، هر چه کمتر این ترفندها به کار گرفته شود، منافع بلندمدتشان بیشتر محقق خواهد شد. شرایط فرهنگی بازار باید به سویی حرکت کند که در یک فضای سالم هر کس که دانش و تخصص بیشتری دارد بتواند سود بیشتری کسب کند در این فضا باید "زرنگ‌بازی" و نظایر آن مذموم شمرده شود. تحقق تمام این اهداف نیازمند گذشت زمان است و نمی‌توان انتظار داشت این اهداف طی یک شب محقق شوند.

پی‌نوشت:

1-Options  
2-Futures

۳- همان‌طور که ملاحظه می‌شود وظیفه نظارت طبق قانون جدید بازار اوراق بهادار، به‌عهد سازمان است و شورا وظیفه سیاست‌گذاری را دارد. [مجله بورس]

۴- در قانون جدید عنوان "شرکت تأمین سرمایه" به جای بانک سرمایه‌گذاری به کار گرفته شده که عنوان مناسب‌تری است؛ زیرا این شرکت‌ها عملیات بانکی انجام نمی‌دهند و سرمایه‌گذاری نیز نمی‌نمایند، بلکه واسطه‌هایی برای تأمین سرمایه شرکت‌ها (فروش اوراق بهادار در بازار) قلمداد می‌شوند. [مجله بورس]

۵- مطابق قانون جدید، اساسنامه سازمان بورس و اوراق بهادار و آیین‌نامه‌های لازم برای اجرایی قانون باید به تصویب هیأت وزیران برسد. تصویب سایر اساسنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها برعهده ارکان بازار سرمایه، اعم از شورای عالی بورس و اوراق بهادار و سازمان بورس و اوراق بهادار، گذاشته شده است. [مجله بورس]

۶- به‌طور دقیق‌تر، اعضای هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار توسط وزیر امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد شده و به تصویب شورا می‌رسد. [مجله بورس]

۷- طبق ماده ۳۰ قانون جدید، پذیرش اوراق بهادار در بورس طبق دستورالعملی است که به پیشنهاد هر بورس و به تصویب سازمان می‌رسد. [مجله بورس]